

جایگاه کرامت انسان در استنباط فقهی

محمدعلی ایازی

حجت الاسلام ایازی بیان کرد:

فقه نیازمند بازسازی جدی و عمیق بر مبنای اصل کرامت است

آذر ۱۲، ۱۳۹۷ آخرین اخبار، اجتهاد و اصول فقه، دیدگاه و گزارش

قرآن پژوه حوزه علمیه قم گفت: اگر می‌خواهیم بر مبنای اصل کرامت مشکلات را مرتفع کنیم، باید فقه به صورت عمیق و جدی بازسازی شود.

به گزارش شبکه اجتهاد، حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی ایازی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، در نشست علمی «جایگاه کرامت انسان در استنباط فقهی» در مؤسسه فهیم گفت: قرآن در سوره اسراء و در سوره حجرات در باب کرامت انسان دو آیه بیان فرموده است؛ در سوره حجرات موضوع اکرمیت و در سوره نساء سخن از کرامت ذاتی است.

وی افزود: اینکه انسان متولد شده چه جایگاه و مقامی دارد بحث سوره نساء است و سوره حجرات از این بحث می‌کند که انسان به کجا می‌تواند برسد؛ کسانی خواسته‌اند تفاوت نظر را مطرح کنند و بگویند تمام مسائل ما شدن است و کرامت انسان جنبه استعدادی دارد؛ یعنی انسان در ذات خودش چیزی نیست و اگر تلاش و کوشش کند به آن مرتبه می‌رسد، ولی آنچه در قرآن در سوره حجرات مطرح شده مسئله اکرمیت است و نه کرامت ذاتی که این افراد به آن استناد کرده‌اند.

کرامت قاعده حاکم یا فرع فقهی

ایازی با بیان معنای کرامت و دلالت آن و تقریری که می‌توان از آن برای استنباط احکام ارائه داد، بیان کرد: این سؤال مطرح است که استنباطی که از این مسئله می‌شود فرع فقهی و یا قاعده حاکم بر فقه است؟ همچنین لوازم کلام در احکام و حقوق انسان چیست؟ قبل از دوره معاصر چند شخصیت در ذیل آیه ۷۰ سوره اسراء «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» تصریح فرموده که آیه صرفاً بیان اخبار نیست؛ از جمله سیدمحمد فضل‌الله کرامت در این آیه را اصل فقهی می‌داند؛ همچنین آیت‌الله منتظری در چند جا به این موضوع پرداخته است و در ۲۴ مورد استناد به اصل کرامت کرده است؛ شخصیت دیگر هم آیت‌الله صانعی است که در باب حقوق انسان و زن استناد به اصل کرامت کرده است.

ایازی اظهار کرد: در میان شخصیت‌های گذشته هم مرحوم سیدمرتضی در قرن پنجم درباره بحث ولدالزنا و شهادت و قضاوت او این بحث را مورد توجه قرار داده است؛ سیدمرتضی معتقد است که ولدالزنا نقشی در گناه

زانی و زانیه نداشته و شهادت او مورد قبول است؛ وی تأکید دارد وقتی زانی و زانیه از گناهشان توبه کنند شهادت آنان پذیرفته است. لذا چرا نباید ولدالزنا این طور باشد.

یازری با بیان آیه ۲۹ توبه «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ لَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَ هُمْ صَاغِرُونَ» ادامه داد: عمده علما با پرداختن به واژه صاغرون گفته‌اند که اهل کتاب وقتی می‌خواهند جزیه بدهند باید با تحقیر (مثلاً خم شود و با نوعی تحقیر) آن را پرداخت کنند. البته در آیه‌ای در وصف جهنمی‌ها نیز همین تعبیر صاغرون به کار رفته است؛ آیت‌الله العظمی مکارم صاغر را به معنای تحقیر نیاورده، بلکه آن را به معنای التزام در نظر گرفته است، یعنی فرد باید در برابر قانون پایبند باشد؛ از این موارد لغات و اصطلاحات زیادی داریم که ممکن است با برداشتی بار کرامتی ایجاد کند و یا برعکس آن را.

جدی و عمیق فقه بر مبنای اصل کرامت

این قرآن پژوه تصریح کرد: امروز در قوانین بحث تساوی دیه زن و مرد و مسلمان و غیرمسلمان در حال حل شدن است، ولی اگر می‌خواهیم بر مبنای اصل کرامت مشکلات را مرتفع کنیم، باید بازسازی عمیق و جدی در کل فقه ایجاد کنیم.

یازری با بیان اینکه شبهات و سؤالات زیادی وجود دارند که با نگاه فقه کنونی قابل پاسخ دادن نیست، تصریح کرد: محقق اردبیلی در مانعیت قضاوت زن بحث کرده، ولی واقعیت این است که بخش زیادی از تعارضات در مسائل زنان با اصل کرامت قابل حل است.

تأکید بر کرامت ذاتی انسان

وی با پرداختن به تعبیر «لَقَدْ كَرَّمْنَا» در آیه ۷۰ اسراء با بیان اینکه در این آیه بر کرامت ذاتی انسان تأکید شده است، اظهار کرد: آیه شریفه با تأکید زیاد که در واژه «وَلَقَدْ» و «كَرَّمْنَا» مشهود است بر این کرامت تأکید فرموده و از «بنی آدم» تعبیر کرده است؛ علامه می‌گوید که خداوند نفرمود: «كَرَّمْنَا الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ» و یا حتی تعبیر انسان را به کار نبرده است؛ این آیه در مقام اخبار و نه انشا است و در خطابش هم رنگ، جغرافیا، خصوصیات، تعلقات، منطقه و مکان جغرافیایی دخالت ندارد و فرموده به تمام انسان‌ها کرامت داده‌ایم؛ البته عدیل «كَرَّمْنَا» «فَضَلْنَا» است که در تعبیر بعدی آن به کار رفته است؛ وقتی بحث از کرامت است تعبیر بنی‌آدم به کار برده، ولی وقتی سخن از تفضیل است دیگر از کرامت بحث نمی‌شود.

یازری ادامه داد: اگر به آیه ۱۳ سوره حجرات «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أَنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» رجوع کنیم بحث تفضیل متناسب با تقواست؛ البته آیه دیگری هم عدیل این آیه است؛ قرآن فرموده انسان را در احسن تقویم خلق کرده است، یعنی موضوع مورد بحث انسان فارغ از ایمان و کفر است و یا فرمود: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ» که بر کلیت انسان تمرکز دارد.

وی با بیان اینکه علامه بر کرامت ذاتی در آیه مورد بحث تأکید دارد اظهار کرد: رقیب این نظریه سخن کسانی است که می‌گویند کرامت شأنیت دارد نه ذاتیت. فرق استعداد با ذات این است که انسان از ابتدای به دنیا آمدنش تا مراتبی که به دست می‌آورد و حتی به مرتبه کسانی مانند شمر و ابن‌ملجم می‌رسد باز هم این کرامت برقرار است. لذا نباید جنازه این افراد به سگ داده شود و تکه‌تکه شوند و ... پس در مجموعه آیات قرآن وقتی در باب انسان سخن گفته می‌شود مسئله کل انسان است.

عقل و اراده؛ عامل کرامت ذاتی انسان

استاد دانشگاه آزاد اسلامی با ذکر آیه امانت و «وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ» و آیات مرتبط با حیات و مرگ انسان از جمله اینکه اگر کسی یک انسان را بکشد گویی همه بشریت را کشته است، اظهار کرد: این آیات معلوم می‌کند که حیات و ممات انسان و کشتن او با بقیه موجودات تفاوت دارد؛ یا در جایی از قرآن کریم وقتی فرمود «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوْحِي» و «خَلَقْتُ بِيَدَيَّ» بحث اصل انسان و نه انسان خاص مطرح است. البته علامه طباطبایی و سیدمحمدحسین فضل‌الله که قائل به ذاتیت کرامت هستند این سؤال را مطرح کرده‌اند که چرا به مقام انسان کرامت ذاتی داده شده است؟ و پاسخ داده‌اند که انسان اراده و عقلانیتی دارد که این اراده و عقلانیت را هیچ کدام از موجودات حتی ملائکه ندارند؛ ملائکه حد وجودی معینی دارند، ولی انسان حد وجودی معینی ندارد. وی اظهار کرد: برخی در نقض ذاتیت گفته‌اند که انسان می‌تواند گناه کند ولی ملائکه نمی‌توانند، ولی آن طرف بحث هم هست؛ اینکه انسان بتواند گناه کند و نکند، اما ملائکه در یک خطی هستند که نه بالاتر و نه پایین‌تر از آن می‌روند؛ از طرف دیگر انسان برای رسیدن به هدف می‌تواند موجودات را استخدام کند. همچنین انسان به واسطه عقل و اراده بر موجودات ممتاز و دارای شأن آینده‌نگری و برنامه‌ریزی است.

استاد دانشگاه آزاد اسلامی با طرح این سؤال که از کجا گفته می‌شود که کرامت اصل حاکم بر فقه و قواعد فقهی است؟ اظهار کرد: آیه‌ای نداریم که عدالت را اصل قرار داده باشد، ولی در قواعد فقهی آن را اصل قرار می‌دهیم؛ کسانی مانند علامه و صاحب تفسیر «الفرقان» معتقدند که این نوع اخبار در برابر انشا در آیات مورد بحث نشانه اصل بودن است.

وی اظهار کرد: علامه فضل‌الله در تفسیر خود آورده است که از منظومه آیات مرتبط با کرامت در قرآن می‌فهمیم که منظور فقط اخبار نیست، بلکه قصد دارد بفهماند که این مسئله مانند عدالت اصل است. فقهای ما در فقه گاهی از آیاتی استفاده می‌کنند که حتی سبک و سیاق آیه با موضوع مدنظر مرتبط هم نبوده است؛ مثلاً در آیه ۱۹۵ بقره «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» موضوع انفاق است و اینکه در انفاق افراط و تفریط نکنید، ولی فقها از آن قاعده عام عدم ضرر رساندن به خود را استفاده کرده‌اند.

بیش از حد در فقه

این محقق و قرآن پژوه با بیان اینکه به تعبیر آیت‌الله بروجردی فقه ما از ترس افتادن در ورطه قیاس احتیاطات بیش از اندازه در برخی مسائل دارد، تأکید کرد: قیاس «فرع با فرع» ایراد دارد، در حالی که قیاس «فرع با اصل» ایرادی ندارد.

وی با بیان اینکه هفت معیاری که فقها درباره اصل بودن چیزی بیان کرده‌اند در بحث کرامت هم وجود دارد، تصریح کرد: وقتی شرع و صادق مصدق فرموده که بنی‌آدم کرامت دارد باید بپذیریم که عقلی بودن این مسئله قابل درک است، مثلاً در بحث معاد با اینکه خدا خبر داده ولی موضوعی عقلی هم هست. همچنین در قرآن برخی موضوعات به عرف واگذار شده است؛ مثلاً عدل و احسان تعریف نشده، ولی مخاطب از آن فهمی مطابق با عرف دارد؛ بنابراین وقتی سخن از کرامت است می‌تواند متناسب با عرف عقلا حتی در مناطق مختلف متفاوت شود؛ مثلاً آتش زدن انسانی در ایران بعد از فوت مخالف کرامت ولی در هندوستان موافق کرامت است.

ایازی در پایان با بیان اینکه موضوع دیگر معنادار بحث کرامت است، تصریح کرد: نوعی بودن کرامت مسئله‌ای تابع درک نوع بشر است و اگر در جایی نقض کرامت شد باید نوع بشر، نه فقط یک فرد یا گروه، بر آن صحنه بگذارند؛ همچنین باید بر این موضوع تأکید شود که در روایات متعددی از اهل بیت(ع) بحث کرامت قابل دنبال کردن است؛ فرمایش آنان مؤید ذاتی بودن کرامت انسانی است و امروز می‌توانیم این معارف را به دنیا منتقل کنیم. ایکننا